

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۲۲ جنوری ۲۰۲۰

پارادوکس در جنبش انقلابی توده ها

بی شک هر کس برای اولین بار کلمه "پارادوکس" را بشنود، برای دریافت معنای آن به کتاب لغت و یا احیاناً به فرد مطلعی رجوع خواهد کرد. اما امروز، پیشرفت جنبش انقلابی توده ها در ایران، این واژه را به طور کاملاً آشکار و قابل لمس، با یک مثال دیدنی و درک کردنی برای همگان معنا کرده است.

پس از ترور قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس (بخشی از سپاه پاسداران جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی مردم خاورمیانه و تشدید بحران در این منطقه به نفع امریکا) توسط تروریست بین المللی (امریکا)، دست اندر کاران رژیم، پرچم بزرگ امریکا و اسرائیل را در خیابان ها و اماکن مختلف پهن نمودند و از مردم خواستند در همصدائی با رژیم جمهوری اسلامی به علامت مخالفت با امپریالیسم امریکا و اسرائیل از روی آن پرچم ها گذشته و به عبارتی آن پرچم ها را لگدکوب کنند. اما آن چه در عمل رخ داد این بود که تنها طرفداران جمهوری اسلامی از روی پرچم های پهن شده در روی زمین، گذشتند و مردم مبارز و انقلابی ایران با توجه به تجربه چهل سال عوامفریبی و ادعاهای دروغین ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی این رژیم، از لگدکوب کردن آن پرچم ها احتراز کردند. مسلم است که برای خود مردم ایران آشکار بود که چنین حرکتی را برای کشیدن مرز بین خود و رژیم جمهوری اسلامی و اعلام مخالفت با این رژیم انجام می دهند. اما، هم مبلغان جمهوری اسلامی و هم مبلغان جهان امپریالیستی و حتی خود ترمپ (رئیس جمهور امریکا) از اتفاقی که افتاد به نفع خود سوء استفاده کردند. دسته اول از این حرکت توده های انقلابی، بل گرفت و آن ها را طرفدار امریکا و اسرائیل و ستون پنجم دشمن خواند و از زبان امام جمعه مشهد، سلاخی این "ستون پنجم" را امری موجه و لازم شمرد. دسته دوم نیز ستون روزنامه ها و دیگر وسایل جمعی شان را با گذاشتن عکس هائی از پرچم امریکا و اسرائیل در روی زمین و جمعیتی که به جای گذشتن از روی آن ها از کنارشان می گذرند، با نوشته هائی که به خواننده القاء می کند که مردم ایران گویا طرفدار امریکا و اسرائیل هستند، پر کردند. حتی ترمپ کار وقاحت را به آن جا رساند که گفت مردم ایران شخص او را دوست دارند!

اما، پارادوکس این قضیه آن جا بود که آن هائی که از روی پرچم های یاد شده گذشتند، به عنوان وابستگان به رژیم جمهوری اسلامی، طرفدار و خدمتگزار امریکا و اسرائیل بودند؛ و مردمان انقلابی که آن پرچم ها را لگدکوب نکردند، مخالفان واقعی امپریالیسم امریکا و اسرائیل (سگ زنجیری امریکا در خاورمیانه) بودند. تناقض و پارادوکس در وجود این حرکت ها با آشکاری تمام خود را معنا و بیان نمودند. پارادوکس در واقع اظهار یا حکمی است که دو موضوع

متناقض و ضد هم در آن بیان می شوند و از این رو آن اظهار یا حکم غیر ممکن به نظر می رسد در حالی که حقیقتی در آن است. مثلاً جمهوری اسلامی که نوکر و خدمتگزار امپریالیسم امریکا است، اصولاً باید به تعریف و تمجید از آن پردازد ولی پارادوکس آن جاست که همین رژیم، پرچم امریکا را لگد کوب می کند و آن را به آتش می کشد و مدام علیه امریکا شعار می دهد. (در ضمن این تعریف از پارادوکس را هم در این جا نقل کنم: "گفته یا اظهار نظر یا پیشنهاد و تقاضائی ظاهراً متناقض و یاهه که بعد از دقت در آن ثابت می شود کاملاً درست و حقیقی ست.")

امروز، برای نیروهای انقلابی در جامعه و توده های آگاهی که تجربه زندگی معلم آن هاست، این واقعیت روشنی است که جمهوری اسلامی با این که در عمل چهل ساله اش نشان داده است که خدمتگزار امپریالیست ها و برپاد دهنده ثروت های مردم ایران به نفع آنان و سرمایه داران وابسته داخلی می باشد و در عین حال پیشبرنده اصلی سیاست های جنگ طلبانه امریکا و به نفع اسرائیل در خارج از مرزهای ایران به قیمت خرج بودجه کشور و تحمیل فقر و فلاکت و بی خانمانی به توده های تحت ستم ما است، با هزار نیرنگ می کوشد خود را ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسم معرفی کند. باید دانست که سابقه تاریخی این امر به دوره شاه و چگونگی روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی با فریب توده ها برمی گردد. در دوره شاه از آن جا که رابطه رژیم شاه با امپریالیست ها و به خصوص نوکری شاه نسبت به امپریالیسم امریکا، امری علنی و برای مردم ایران به قول معروف اظهار من الشمس بود، توده ها کاملاً براین واقعیت آگاه بودند که امپریالیست ها و در رأس آنان امریکا، دشمنان اصلی مردم ایران هستند. بر این اساس بود که وقتی در اثر انقلاب توده ها، شاه مجبور به ترک ایران شد، توده ها درست در همان روز فریاد سر دادند: "بعد از شاه، نوبت امریکا است." در چنین فضائی بود که خمینی و دار و دسته اش توسط امریکا و امپریالیست های هم پیمانش بر سر کار آورده شدند و آن ها برای همرنگ و هم رأی نشان دادن خود با مردم تحت ستم ایران به جهت فریب مردم، به دروغ مدعی دشمنی با امریکا گشتند و خود را ضد امپریالیست خواندند. پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی، دست اندر کاران این رژیم حتی برای جا انداختن ادعای کاذب ضد امپریالیست بودنشان در ذهن توده ها و برای منحرف کردن مسیر جنبش آنان - توده هائی که در همان اوایل نشان می دادند متوجه مردمی نبودن جمهوری اسلامی شده اند - مبادرت به اشغال سفارت امریکا در تهران نمودند.

اما، تا آن جا که به توده های دردمند ایران مربوط است، این مردم کماکان ضد امپریالیست می باشند؛ و از آن جا که رژیم جمهوری اسلامی امکان غارت ثروت های مردم ایران را برای امپریالیست ها مهیا نموده و خود مجری سیاست های آن ها و به خصوص امپریالیسم امریکا بوده و با تبعیت از سیاست های نئولیبرالیستی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، شرایط جهنمی برای مردم تحت سلطه ایران به وجود آورده است، مبارزه ستمدیدگان ایران علیه این رژیم، مبارزه ای ماهیتاً ضد امپریالیستی می باشد. اگر خوب دقت کنیم می بینیم که در واقعیت امر، این دستان غارتگر و جنایتکار امپریالیسم است که از آستین جمهوری اسلامی بیرون زده و به عبارت روشن تر این امپریالیسم است که برای تداوم غارتگری و حفظ منافع خود، نه فقط کارگران و زحمتکشان، بلکه کل توده های تحت ستم ایران را به روز سیاه نشانده است. با این حال، با توجه به این که در شرایط کنونی، مبارزه با امپریالیسم از کانال مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی می گذرد - همچنان که دیروز نیز در دوره رژیم شاه از کانال آن رژیم می گذشت، تمرکز مبارزه مردم ما روی خود رژیم جمهوری اسلامی است - که البته در حال حاضر جز این هم نمی تواند باشد. در چنین شرایطی، و با توجه به شعارهای پوچ ضد امپریالیستی و ضد امریکائی جمهوری اسلامی و پاره کردن و به آتش کشیدن نمایشی پرچم امریکا توسط وابستگان به این رژیم، ممکن است توده های مبارز ما برای نشان دادن ضدیت خود با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و دروغگو خواندن سردمداران آن، شعار توهم انگیزی را هم مطرح نمایند،

شعاری نظیر "دشمن ما همین جاست، بیخود می‌گند امریکا است" که در جریان مبارزات انقلابی سال‌های ۹۶-۹۷ از طرف کشاورزان مبارز اصفهان برای نشان دادن تنفر و ضدیتشان با رژیم حاکم، مطرح شد. اما، واقعیت این است که امریکا دشمن اصلی مردم ماست که همراه با امپریالیست‌های دیگر از کانال جمهوری اسلامی، خون مردم ما را در شیشه کرده است.

سازمان ما، چریک‌های فدائی خلق ایران همواره به توضیح و تشریح نقش امریکا و دیگر امپریالیست‌ها در ایران پرداخته و در هر مورد به افشاگری علیه آن‌ها دست زده است. اکنون شاهدیم که هر چه جنبش انقلابی توده‌ها بیشتر رشد کرده و به جلو می‌رود، در عمل مهر تأیید بر آن نظرات زده و ماهیت ضد امپریالیستی و ضد جمهوری اسلامی جنبش را با روشنایی بیشتری در معرض دید همگان قرار می‌دهد. مسلماً با پیشرفت جنبش، موضع ضد امپریالیستی توده‌ها نیز بیشتر آشکار خواهد شد. امروز شاهدیم که وقتی ایادی رژیم، نیروهای انقلابی را به خاطر عدم گذشتن از روی پرچم امریکا، متهم به طرفداری از امریکا کردند، دانشجویان مبارز که امروز نقش آگاهی بخش در جامعه ایفاء می‌کنند و می‌کوشند صدای کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران باشند، در دانشگاه علم و صنعت، به وضوح مطرح کردند: "نیروی سرکوب جمهوری اسلامی... این‌ها دشمنان ما هستند. هم این‌ها دشمن ما هستند و هم ترمپ امریکا. همه این‌ها دشمن ما هستند. استبداد داخل با استعمار خارج..." (ویدئوی مربوطه در کانال بذره‌های ماندگار، کانال تلگرامی چریک‌های فدائی خلق ایران به تاریخ ۱۷ جنوری سال جاری، قابل دسترسی است). شکی نباید داشت که با رشد هر چه بیشتر جنبش انقلابی جاری در ایران، باز تاب این صدا، توده‌های وسیع‌تری را در برخواهد گرفت و شعاری چون "جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد" و شعارهای مشابه که ضدیت توده‌های تحت ستم ما را با سرمایه‌داران خارجی و داخلی و به واقع با امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته داخلی را بیان نمایند، از آن‌جا که دارای زمینه کاملاً عینی و واقعی می‌باشند، بُرد توده‌ای وسیعی خواهند یافت. چنین شعارهایی باید توسط نیروهای پیشرو، هر چه گسترده‌تر به میان توده‌ها برده شوند.

۲۸ دی [جدی] ۱۳۹۸ - ۱۸ جنوری ۲۰۲۰